تولید کبریت ایرانی؛ از دخالت استعمار تا وضع قوانین حمایت از کارگر

تلاش‌های عباس میرزا نایب السلطنه در دوران فتحعلی شاه راهی را برای توسعه ایران باز کرد که بعدها میرزا تقی خان امیرکبیر تلاش کرد تا در سطحی گسترده‌تر این تلاش‌ها را ادامه دهد و ایران را به مرحله صنعتی شدن برساند. هرچند در سطح کلان کشور این تلاش‌ها ناکام ماند، اما توانست «چشم» و «گوش» ایرانیان را تا حدی باز کند. بعدها از اواسط دوران ناصری که پای جهانگردان خارجی به ایران باز شد و در سوی مقابل ایرانیان بسیاری هم توانستند از کشورهای پیشرفته آن دوران بازدید کنند، توسعه ایران و حضور کشور در جاده صنعت، بدل به هم و غم آنان شد. آنها این توسعه را با توسعه سیاسی همراه کردند، چرا که به زعم آنان توسعه صنعتی و اقتصادی جز با قطع دخالت پادشاه و درباریان از همه شئون مملکت به دست نمی‌آمد.

«مساله» و دغدغه دیگر آن دوران نفوذ استعماری حکومت‌های بریتانیا و روسیه بود که هیچگونه توسعه بدون وابستگی را برنمی‌تافتند و این در روند احداث کارخانجات و کارگاه‌های تولید کبریت به عینه به چشم می‌خورد. کبریت هرچند امروزه دیگر کالایی فاقد ارزش است اما آن دوران که تهیه آتش کاری شاق تلقی می‌شد، ارزش و اهمیت بسیاری پیدا کرد و شاید به نحوی می‌توان آن را کالایی استراتژیک هم برشمرد چرا که در بسیاری از حوزه‌های دیگر هم کاربرد داشت. کبریت هم سن و سال برخی کالاهای مدرن دیگر از جمله برق، تلفن، تلگراف است که برای ایرانیان یادآور زندگی جدید بود. تاریخ و روند تولید کبریت در ایران شنیدنی است و درس‌های بسیاری را برای اقتصاد امروز ایران که «مساله» تولید برای بدل به معضلی جدی شده، به همراه دارد. تاریخچه واردات و تولید کبریت در ایران با فرهنگ عمومی کشور پیوندی ناگسستنی پیدا کرده است. این کالا هرچند که در وهله نخست جایگزین سنگ آتش زا شد، اما کالایی اشرافی بود، چرا که با ورود سیگار به ایران و گسترش امکانات سیگارپیچی، مصرف آن زیاد شد اما چون کالایی وارداتی بود، تنها اشراف امکان استفاده از آن را داشتند. کبریت بعدها آنقدر اهمیت پیدا کرد که درباره چند و چون تولید آن مجلس باید تصمیم می‌گرفت و این میان نباید تلاش‌های استعمار را برای به زمین زدن صنعت کبریت سازی در ایران فراموش کرد. همین مسائل اهمیت پژوهش درباره کبریت را بیش از پیش نمایان می‌کند که متاسفانه کار چندانی روی آن نشده است.

به زعم راقم این سطور جدی‌ترین پژوهش تاریخی درباره کبریت را مهدی صادقی انجام داده است، هرچند معدود پژوهش‌های مشابهی هم پیشتر انجام شده بود. نخستین «کتاب کبریت ایران» با پژوهش مهدی صادقی سال ۱۳۹۴ توسط انتشارات رسم منتشر شد و دومین کتاب نیز به تازگی روانه کتابفروشی‌ها شده است. صادقی در این پژوهش خاص، به تاریخ چگونگی ورود کبریت به ایران در اواسط دوران ناصری، نگاه ایرانیان به این وسیله وارداتی و همچنین تاریخ تولید کبریت در ایران و کارخانجاتی که برای تولید این کالای ضروری شکل گرفتند و رخدادهای پیرامون آن پرداخته است. بحث درباره طرح گرافیکی قوطی‌های کبریت، جایگاه کبریت در فرهنگ ایرانیان به عنوان یک کالای استراتژیک و... از دیگر مباحث مهم صادقی در این کتاب است. می‌توان گفت صادقی در این دو کتاب پدیداری به نام کبریت را از همه زوایای ممکن بررسی کرده است.

مهدی صادقی، پژوهشگر هنر و تاریخ، مدرس دانشگاه و منتقد فیلم، است. از دیگر کتاب‌های منتشر شده او می‌توان به این موارد اشاره کرد: «حاتمی در امتداد فردوسی: تحلیل تاریخ‌محور بر هزاردستان علی حاتمی با نگاه به چندی از داستان‌های شاهنامه»، «فوتبال سینماست»، «قول و قاتل: بازخوانی قتل‌های زنجیره‌ای در رمان قول فریدریش دوررنمات و فیلم قاتل (M) فریتس لانگ»، «گرافیک و خلاقیت»، «گرافیک و سینما»، «کتاب چوبی گرافیک ایران»، «جنگل آسفالت»، «گرافیک و هلوژی: تمرینی برای خلاقیت در طراحی گرافیک» با همکاری زکیه رستمی و افسانه فیروزه، «پیشگامان گرافیک نوین ایران: صادق بریرانی» «سه: گزیده طرح‌های مهدی صادقی درباره موسیقی» و «گوتنبرگ ۵۵۵: منتخب پوسترهای طراحان گرافیک ایران». گفت‌وگوی مهر با این نویسنده و پژوهشگر را در ادامه بخوانید:

شما درباره کبریت ایران و تاریخچه تولید این کالا در ایران پژوهش مهمی را انجام داده‌اید. نخست بفرمائید که کبریت از چه دورانی وارد ایران و از چه دوره‌ای تولید آن شروع شد؟

کبریت را گردشگران و سیاحان خارجی که به ایران می‌آمدند، وارد کشور کردند. به مرور که مردم کاربردهای آن را شناختند، واردات کبریت هم آغاز شد. نخستین کبریت‌های وارداتی، از اتریش وارد شد و پس از آن، سایر کشورهای اروپایی هم کبریت وارد کردند. نخستین سالی که گمرکات کشور سر و سامان گرفت و تمام واردات و صادرات، به صورت یکپارچه در دفاتر گمرکی ثبت شد، سال ۱۲۸۲ خورشیدی بود. در این سال حدود ۳۷۳ هزار باتمان کبریت از روسیه، اتریش، سوئد، ژاپن، ایتالیا، بریتانیا و آلمان وارد کشور شد. هر باتمان معادل سه کیلو بود و برای هر باتمان هشت شاهی باید حق گمرکی پرداخت می‌کردند. از این سال به بعد تمام آمار واردات کبریت موجود است و من اسناد آن را در کتاب کبریت ایران آورده‌ام.

ببینید در اواخر دوره ناصری به خاطر رفت و آمدهای بسیار خارجی‌ها و مسافرت روشنفکران و بازگشت آنها، برخی کالاها و خدمات در ایران ضروری به نظر می‌رسید و به نوعی به آرزو تبدیل شده بود. سه چیز بیشتر از بقیه: راه آهن، کبریت و قند. داشتن راه آهن آرزوی ایرانیان آن زمان بود و شاید حتی بتوانیم بگوییم نسبت به آن عقده و حسرت پیدا کرده بودند. راه آهن هشت کیلومتری تهران به شاه‌عبدالعظیم این عطش را سیراب نکرد، بلکه آنها را تشنه‌تر کرد. ما هنوز راه شوسه درست و حسابی نداشتیم، اما این‌طور که از نوشته‌های اهل قلم آن دوره برمی‌آید، نیاز راه آهن بسیار جدی تلقی می‌شد. همین حسرت و آه بود که در دوره رضاشاه به افراط بدل شد و راه آهن مهم‌ترین پروژه دوره پهلوی اول محسوب می‌شد. فراموش نکنیم برای ساخت همین راه آهن، ایران تبدیل به سومین واردکننده بزرگ سیمان در دنیا شده بود.

در اواخر دوره ناصری به خاطر رفت و آمدهای بسیار خارجی‌ها و مسافرت روشنفکران و بازگشت آنها، برخی کالاها و خدمات در ایران ضروری به نظر می‌رسید و به نوعی به آرزو تبدیل شده بود. سه چیز بیشتر از بقیه: راه آهن، کبریت و قند. داشتن راه آهن آرزوی ایرانیان آن زمان بودمساله بعدی قند بود. قند که مصرف بسیاری در ایران داشت، همیشه حسرتش را داشتند که چرا خودمان نتوانیم قند بسازیم. قند هم کالای مصرفی بود و هم کالای لوکس. مثلاً خانواده داماد برای عروس، به مناسبت‌های مختلف از جمله شب یلدا، کله قند کادو می‌بردند. هنگام تولد نوزاد به قابله، کله قند کادو می‌دادند. زنده‌یاد مادرم تعریف می‌کرد وقتی من متولد شدم، پدرم یک کله قند به قابله مادرم هدیه داده بود! سی و پنج سال پس از آن، نوه همان قابله، دانشجوی من شد! از این رو، مردم دوست داشتند همین قند را که این چنین کاربرد فراوان داشت، خودشان تولید کنند. البته منظور قندِ سفیدِ صنعتی است که از چغندر قند گرفته می‌شد.

سومین هم کبریت بود: کالایی کوچک، اما پر کاربرد. آرزو داشتند بتوانند این قوطی کوچولو را خودشان بسازند. اما ساخت همین قوطی کوچک، دردسر زیاد داشت. البته مسیو دنی امتیاز ساخت نخستین کارخانه کبریت را گرفت، اما وقتی دید در تهران آن قدر درخت صنوبر نیست که چوب مورد نیاز کبریت را فراهم کند، بی‌خیال آن شد و امتیاز راه آهن شاه‌عبدالعظیم را گرفت و آن را ساخت. بعد امتیازش را به یک فرانسوی به نام مرینس داد که او هم کاری نکرد. تا این‌که پولیاکوف به ایران آمد تا به پشتیبانی دولت روسیه، و در رقابت با بانک شاهنشاهی که انگلیسی‌ها راه‌اندازی کردند، بانک استقراضی ایران و روس را تأسیس کند. هدف بعدی پولیاکوف، امتیاز راه آهن ایران بود که بزرگ‌تر از قد و قواره او بود. لازم بود خودی نشان دهد و توانایی‌اش را ثابت کند. یکی از کارهایش همین تأسیس نخستین کارخانه کبریت‌سازی در ایران بود که در املاک امین‌الدوله در الهیه تهران راه‌اندازی شد. پولیاکوف کارخانه کبریت را گز نکرده، بُرید! حساب مقدار چوب مصرفی را نکردند و همین طور حق گمرکی اندکی که واردکنندگان اتریشی و سوئدی و روس می‌پرداختند. حدود یک سال پس از آمدن پولیاکوف به ایران، او حامیانش در دولت روسیه را هم از دست داد. پولیاکوف یک سرمایه‌دار یهودی بود و به خاطر یهودی بودنش، محبوب و مطلوب دربار روسیه نبود. او حمایت دولتی را از دست داد، کبریت ایرانی‌اش هم به خاطر کمبود چوب و در رقابت با کبریت‌های وارداتی دوام نیاورد. عطای آن را به لقایش بخشید و کارخانه تعطیل شد.

نخستین کارخانه‌های ایرانی تولید کبریت چگونه راه‌اندازی شد؟

راه‌اندازی کبریت‌سازی پولیاکوف و امین‌الدوله، این ایده در بین ایرانیان رواج داد که می‌توانند کارخانه یا حداقل کارگاه کبریت‌سازی داشته باشند. تا در دوره محمدعلی شاه توسط مهندسان آلمانی، کارگاه کبریت‌سازی دیگری سال ۱۲۸۶ خورشیدی در تبریز راه افتاد که «کبریت‌سازی اسلام» نام داشت و برچسب کبریت‌های آن موجود است. پس از آن در سال ۱۲۸۷ «کبریت‌سازی ایرانیان» راه افتاد که کبریتش با برند «اقتصاد» وارد بازار شد. هر دو این کارخانه‌ها دوام نیاوردند. به دلایل مختلف، از جمله وضع آشفته تبریز در آن سال‌ها که امکان استمرار تولید کالا را نداشت. پس از آن در سال ۱۲۹۷ کبریت‌سازی توکلی و کبریت‌سازی میرزاحسین واعظ همزمان با هم (با اندکی اختلاف) راه‌اندازی شدند. هر دو اینها کارگاه کبریت‌سازی بود و نه کارخانه. یعنی تولیدات محدود و دستی داشتند. اما کارخانه ممتاز که سال ۱۳۰۰ راه‌اندازی شد، کارخانه بزرگی بود که به نقل از کتاب «ایران بین دو انقلاب» نوشته یرواند آبراهامیان، یکی از پنج کارخانه بزرگ کشور بود که بیش از پنجاه کارگر داشت.

دیدگاه دولت‌های استعماری آن روز نسبت به کارخانه تولید کبریت در ایران چه بود؟

روس‌ها مخالف سرسخت تولید کبریت در ایران بودند. آنها به خاطر قرارداد ترکمانچای، حقوق گمرکی کمتری نسبت به سایر کشورها پرداخت می‌کردند. از این رو، کبریت آنها در ایران ارزان‌تر از بقیه کبریت‌های وارداتی تمام می‌شد. از طرفی دولت روسیه قانونی وضع کرده بود که مالیات کالاهای صادراتی را هنگام خروج از کشور به تولیدکننده پس می‌دادند. یعنی تولیدکننده روسی، برایش به صرفه‌تر بود که کبریتش را صادر کند تا در داخل روسیه بفروشد. مدتی پس از راه‌اندازی کارخانه ممتاز هم آنها با دامپینگ می‌خواستند کبریت ممتاز را زمین بزنند. همین کار را سال‌ها پیش از آن، با قند کهریزک کردند و این کارخانه ورشکسته شد. روس‌ها قند را ارزان‌تر می‌فروختند تا کارخانه قند کهریزک نتواند محصولش را به فروش برساند. روس‌ها در تلاش بودند قندشان را در ایران به فروش برسانند و انگلیسی‌ها می‌خواستند چای‌شان را بفروشند. البته انگلیسی‌ها، قند هم وارد ایران می‌کردند، اما قند «گریک» گران‌تر از قند روس بود. به همین خاطر آنها ترفندهایی به کار گرفتند تا قند روسیه را از دور خارج کنند. ماجرای مضحک آن را در کتابم نقل کرده‌ام.

روس‌ها مخالف سرسخت تولید کبریت در ایران بودند. آنها به خاطر قرارداد ترکمانچای، حقوق گمرکی کمتری نسبت به سایر کشورها پرداخت می‌کردند. از این رو، کبریت آنها در ایران ارزان‌تر از بقیه کبریت‌های وارداتی تمام می‌شددولت‌های روس و انگلیس مایل نبودند محصولاتی که بازارش در اختیار آنهاست، در داخل ایران تولید شود و هر اقدامی می‌کردند تا محصول به نتیجه نرسد. قند کهریزک، کبریت امین‌الدوله، کاغذسازی اصفهان، نساجی، چرم‌سازی و... نمونه‌هایی از این دست است. در دوره قاجار، به ویژه ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه، هر چه در توان داشتند به کار گرفتند تا چیزی از کشور باقی نماند و همه را در قالب امتیازهای مختلف، به خارجی‌ها واگذار کردند. اما در دوره احمدشاه، که مجلس و دولت اختیار بیشتری پیدا کرد، برخی دولتمردان و چهره‌های ملی تلاش کردند به عوض واگذاری امتیاز به خارجی‌ها، امتیازات را به سرمایه‌داران و تجار و بازرگانان ایرانی واگذار کنند. از جمله آنها امتیاز دخانیات کردستان که به حاج رحیم اتحادیه داده شد. یا امتیاز صابون‌پزی و چرم‌سازی که به هاشم ربیع‌زاده تعلق گرفت. همچنین امتیاز کبریت‌سازی آذربایجان که به حاج محمد رحیم و حاج محمد باقر خویی اعطا شد.

امتیازاتی که به سرمایه‌گذاران داخلی داده شد، در نوع خود پیشرفته و روزآمد بود. مثلاً در امتیاز چرم‌سازی ربیع‌زاده برای نخستین بار، مساله محیط زیست لحاظ شد و او را موظف کردند که فاضلاب کارخانه‌اش نباید وارد هیچ رودخانه‌ای شود. یا امتیاز کبریت‌سازی آذربایجان، نخستین قانون حمایت از کارگران در ایران محسوب می‌شود. چرا که در بند دهم امتیازنامه گفته شده اگر کارگر در حین کار دچار سانحه شود، خسارتش را کارخانه باید پرداخت کند. فراموش نکنیم که سیاست‌های دولت‌های استعماری در انحصاری کردن بازار مصرفِ ایران، در نهایت به ضرر خودشان تمام شد. مثلاً در مورد قند، روس‌ها تمام بازار قند ایران را به دست گرفتند. در زمان جنگ روسیه با ژاپن، که منجر به شکست روسیه شد، واردات قند روسیه کاهش یافت و قیمت قند در ایران بالا گرفت. اعتراض بازاریان به تصمیم غلط حاکم تهران در تنبیه کردن یک تاجر معروف قند به خاطر گران شدن قند، یکی از دلایل اصلی انقلاب مشروطه بود. روس‌ها نمی‌دانستند انحصاری کردن قند، ممکن است یک روز، زمینه‌ساز انقلابی بزرگ در ایران شود.

در کتاب اشاره کرده‌اید که مصرف کبریت پس از انقلاب مشروطه رواج عموم پیدا کرد. چرا؟

به چند دلیل. نخست این‌که از این دوره (حدود سه سال پیش از انقلاب)، آمار واردات کبریت به صورت یکپارچه ثبت و ضبط شد که ما امروز می‌توانیم مقدار و میزان آن را ارزیابی کنیم. واردات کبریت، در آن دوره، هر سال رو به افزایش بود. تا پیش از سال ۱۳۰۰ کبریت همواره یکی از پنج کالای مهم وارداتی از روسیه بود. به استثنای سال‌های جنگ جهانی اول که روسیه درگیر انقلاب داخلی بود، بیشترین واردات کبریت ایران از روسیه بود. کبریت و سیگار و چای از کالاهای به روز و پر مصرف آن دوره بود. اغراق نیست اگر کبریت را یکی از سنگ بناهای اولیه سبک زندگی شهرنشینی نوین و امروزی بدانیم.

تا پیش از رواج یافتن مصرف کبریت، معمولاً مردم آتش را از همسایه‌ای که تنور یا اجاق روشن داشت، می‌گرفتند. با هیزم و علوفه خشک، آتش را می‌گرفتند و سریع، تا پیش از خاموش شدن، آن را به اجاق یا تنور خود می‌رساندند. اصطلاح «مگه اومدی آتیش ببری» از همین رسم و رفتار مردمان آن زمان نشأت گرفته است. مثلاً اگر مهمان زودتر از موعدِ مرسوم می‌خواست که خانه میزبان را ترک کند، می‌گفتند: «مگه اومدی آتیش ببری»! اما وقتی کبریت رایج شد، دیگری کسی برای گرفتن آتش، در خانه همسایه را نمی‌زد و آرام آرام، وابستگی همسایه‌ها به یکدیگر کمتر شد. به طوری که امروزه، همسایه‌ها نه فقط به هم وابسته نیستند، بلکه حتی نام و نشان همسایه دیوار به دیوارشان را هم نمی‌دانند!

تولید کبریت داخلی چه تأثیری بر صنعت ایران در آن دوران گذاشت؟

در دوره پهلوی اول، به دلیل مصرف فراوان و تولید نسبتاً ارزان، کبریت مورد توجه قرار گرفت. کبریت کالایی بود که مصرفش تضمین شده بود و تولیدات داخلی کفاف مصرف را نمی‌داد. تا اواسط جنگ جهانی دوم (حدود سال‌های ۱۳۲۰ تا ۲۲) هنوز نیازمند واردات کبریت بودیم، اما پس از جنگ که هنوز اوضاع سر و سامان نگرفته بود، هر کسی می‌توانست در کارگاهی کوچک، بدون مجوز و نظارت دولت، کبریت تولید کند. حتی در همان سال‌ها و در بحبوحه استقلال پاکستان از هند، این کشور بسیاری از کالاهایش را از ایران تأمین می‌کرد، از جمله کبریت. در دهه‌های ۱۳۲۰ و ۱۳۳۰ کارخانه‌ها و کارگاه‌های بسیاری پا گرفتند که هدف‌شان تولید کبریت و صادرات به پاکستان بود. یعنی علاوه بر مصرف داخلی، صادرات کبریت هم درآمدزا بود.

تولید کبریت به دلیلِ این‌که کارخانه‌ها از نیروی انسانی ارزان، مثلاً کودکان و نوجوانان، استفاده می‌کردند، مقرون به صرفه بود. می‌توانیم بگوییم کبریت از سال ۱۳۰۱ که امتیاز کبریت‌سازی آذربایجان تصویب شد و به ویژه از سال ۱۳۱۰ که قانون انحصار کبریت در مجلس شورای ملی تصویب شد، تا جنگ جهانی دوم، در کنار کارخانه‌های قندسازی و نساجی، یک صنعت پیشرو و اساسی محسوب می‌شد. در دهه ۱۳۲۰ و ۱۳۳۰ یک صنعتِ میانی و خرد بود. صنعتی که بیشتر با کارگاه‌های کوچک می‌چرخد. اما در دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ به یک صنعت مکانیزه مبدل می‌شود. در این دوره چند کارخانه تمام مکانیزه و اتوماتیک با هم به صورت کاملاً حرفه‌ای به رقابت می‌پردازند.

از تاریخ تولید کبریت در ایران چه درس‌هایی می‌توان برای مساله تولید در ایران امروز گرفت؟

سیر تحول تولید کبریت در ایران، نمونه خوبی برای ارزیابی تولید کالای داخلی است. مرحوم میرزاحسین واعظ که از مبارزان مشروطه‌خواه و ضداستبداد و ضد استعمار (روسیه) بود، پس از جنگ جهانی اول و حوادث تبریز در آن سال‌های مبارزاتی، تصمیم می‌گیرد برای رفع احتیاج مردم به کبریت روسیه، کارگاه تولید کبریت راه‌اندازی کند. او که هنوز در حال و هوای دوران مبارزه و محاصره بود، روی کبریت‌هایش شعارهای میهنی و ضد استبدادی چاپ کرد، اما از کیفیت کبریت‌هایش غافل شد. در نتیجه کبریت‌های او، نتوانست در بازار مصرف جایی پیدا کند.

زمانی دیگر، دولت و مجلس تمام قد پشت کبریت‌سازی آذربایجان ایستادند، از مالیات معافش کردند، مالیات حمل و نقل و کشتی‌رانی و... را همه بخشیدند تا بتواند پا بگیرد و محصول خوب و قابل رقابت با کبریت‌های فرنگی و روسی تولید کند. اما با همه آن حمایت‌ها، نه از نظر کمی و نه از نظر کیفی نتوانست ما را از واردات کبریت بی‌نیاز کند. همین‌طور در دهه ۱۳۶۰ که همه کارخانه‌های بزرگ کبریت‌سازی، زیر نظر دولت، وزارت بازرگانی، وزارت صنایع و... بود، اما به دلیل سوء مدیریت و شرایط خاص زمان جنگ، تمام آن کارخانه‌ها با ضرر و زیان فراوان کار می‌کردند و پس از جنگ هم دولت مجبور شد آنها را با بدهی‌های سنگین، به صاحبان اولش باز گرداند.

تنها دوره موفق، همان دهه ۱۳۴۰ و ۵۰ بود که دولت مستقیماً هیچ حمایتی نکرد: نه معافیت مالیاتی، نه انحصارسازی منطقه‌ای و... فقط به سرمایه‌گذاران اجازه داد تا با هزینه خودشان ماشین‌آلات مکانیزه وارد کنند و با برداشتن قوانین دست و پا گیر، اجازه داد با هم به رقابت حرفه‌ای بپردازند. مثلاً پیش از آن تولیدکننده کبریت موظف بود برچسب کبریتش را فقط در چاپخانه مجلس شورای ملی چاپ کند. آن هم با تأخیرهای چند ماهه و حتی گران‌تر از سایر چاپخانه‌های دولتی دیگر مثل چاپخانه بانک ملی. نه حمایت مالی مستقیم از تولیدکننده و نه ممنوعیت واردات، هیچکدام راهگشا نبود. تنها راه، بسترسازی مناسب برای حرکت و پیشرفت حرفه‌ای‌هاست.

وضع قوانین غیرتخصصی و دخالت نهادها و ارگان‌های مختلف، تولید را به بن‌بست می‌رساند. باید هر کالا را مانند یک فرد بالغ و عاقل دانست که خودش می‌تواند راهش را پیدا کند، به شرطی به آن اعتماد کنیم. نه آنها را نُنُر و لوس کنیم و نه عقده‌ای و دچار کمبود. همین رفتار را اکنون دولت با خودروسازان داخلی دارد. آنها که تولیدکنندگان چهل ساله‌اند، مثل بچه‌های لوس برخورد می‌کند، اگر فروش‌شان کم شود، به مردم وام می‌دهند تا محصول آنها را بخرند. یا در شرایط خاص، قوانین را زیر پا بگذارند و کالایی را که فروخته‌اند، تحویل ندهند. اگر این چهل ساله‌ها هنوز این‌قدر کودک هستند، چه لزومی دارد از بودجه عمومی کمک‌شان کنید تا رشد کنند. با هر صنعت و کالایی باید مانند آدم‌های عاقل و بالغ برخورد کرد نه مثل بچه‌های لوس که همیشه طفره می‌روند، مسئولیت نمی‌پذیرند و دیگران را مقصر می‌دانند. عقلانیت تنها راه است، نه حمایت و نه ممنوعیت.

اخبار

اخباری از نمایشگاه کتاب فرانکفورت و فراخوان‌های جوایز ادبی داخل

فته‌های بهتر و پرخبرتر حوزه کتاب و نشر است. هفته گذشته که دومین هفته شهریور ۹۹ بود، گزارش اخبار برگزیده حوزه کتاب و نشر، تنها ۴ خبر مهم داشت و این‌تعداد، این‌هفته به ۱۱ خبر رسیده است.

بین خبرهای این‌هفته، ۴ خبر از معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۲ خبر از سازمان اسناد و کتابخانه ملی و ۲ خبر از نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور هستند و باقی اخبار هم از نهادهایی چون مرکز فرهنگی شهر کتاب، دفتر نشر فرهنگ اسلامی و سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی هستند. بین ۱۱ خبر این‌گزارش همچنین، ۳ خبر مربوط به انتشار فراخوان‌های جوایز و جشنواره‌های ادبی هستند.

در ادامه مشروح گزارش اخبار برگزیده کتاب و نشر را در سومین هفته شهریور ۹۹ از نظر می‌گذرانیم؛

تسویه‌حساب معاونت فرهنگی ارشاد با کتابفروشی‌های تابستانه کتاب

ایوب دهقانکار مدیرعامل موسسه خانه کتاب و ادبیات ایران روز یکشنبه ۱۶ شهریور از تسویه حساب با کتابفروشی‌های عضو طرح تابستانه کتاب ۹۹خبر داد و گفت: با توجه به تاکید سیدعباس صالحی وزیرفرهنگ و ارشاد اسلامی مبنی بر تسویه‌حساب به موقع با کتابفروشی‌های عضو طرح تابستانه کتاب۹۹، این موسسه در حداقل زمان پس از پایان طرح و ظرف مدت ۱۱روز کاری با ۷۷۳ کتابفروشی تسویه حساب کرد.

حذف بخش فیزیکی و حضوری نمایشگاه فرانکفورت

طبق خبری که چهارشنبه این‌هفته منتشر شد، بخش فیزیکی و حضوری هفتاد و دومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب فرانکفورت در سال جاری به‌دلیل محدودیت های سفر ناشی از بیماری همه‌گیر کرونا لغو شد.

در این‌خبر اعلام شد محدودیت‌های ناشی از ویروس کرونا مانع از حضور به موقع بسیاری از کشورها در محل نمایشگاه می‌شود. علاوه بر این، الزامات قرنطینه‌ای که از روز اول اکتبر ۲۰۲۰ اعمال می‌شود شرکت غرفه‌داران اروپایی و سایر بازدیدکنندگان از کشورهای مختلف را تقریبا غیرممکن ساخته است.

دعوت خانه کتاب برای ثبت‌نام بخش دیجیتال نمایشگاه فرانکفورت

همچنین روز دوشنبه این‌هفته بود که مؤسسه خانه کتاب و ادبیات ایران از ناشران فعال، تشکل‌های صنفی نشر، نهادها، مؤسسات و آژانس‌های ادبی سراسر کشور برای شرکت در بخش دیجیتال هفتاد و دومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب فرانکفورت با شعار (دیجیتال هوشمندانه) دعوت کرد.

انتصاب دبیران علمی کتاب سال و جایزه جهانی کتاب سال

سه‌خبر پیشین مربوط به معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و زیرمجموعه‌اش خانه کتاب و ادبیات ایران بودند. چهارمین خبر مهم این‌هفته که مربوط به این‌نهاد می‌شود، انتصاب دبیران علمی کتاب سال و جایزه جهانی کتاب سال با حکم وزیر ارشاد بود.

به موجب این‌خبر، سید عباس صالحی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در احکامی جداگانه، حجت‌الاسلام و المسلمین محمدعلی مهدوی راد و احمدعلی حیدری را به‌عنوان دبیران علمی سی‌و هشتمین دوره جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران و بیست و هشتمین دوره جایزه جهانی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران را منصوب کرد.

امضای تفاهم‌نامه همکاری کتابخانه ملی و استانداری قزوین

در یکی از اخبار دیگر روز دوشنبه، اعلام شد تفاهم‌نامه همکاری سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران و استانداری قزوین، با حضور اشرف بروجردی رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران و هدایت‌الله جمالی پور استاندار قزوین در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران به امضا رسید.

در این‌تفاهم‌نامه بر همکاری طرفین برای تقویت منابع، فرصت‌های علمی، فرهنگی و پژوهشی، جمع آوری، حفظ و پردازش اسناد ملی استان قزوین در مرکز اسناد و کتابخانه ملی این استان تاکید شد.

اهدای ٤٨ مجموعه‌سند دوران صفویه به سازمان اسناد و کتابخانه ملی

خبر دیگری که این‌هفته از کتابخانه ملی منتشر شد، به نقل از سکینه خراج رئیس اداره اسناد خریداری و اهدایی اداره کل فراهم آوری و ارزشیابی اسناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی بود که از اهدای ۴۸ مجموعه سند نظیر فرمان‌های دوره صفویه و دریافت اصل دفاتر دست نویس مذاکرات شورای انقلاب اسلامی به این نهاد خبر داد.

وی گفت: از سال ۱۳۹۴ تا سال گذشته بیش از ۴۸ مجموعه سند اهدایی از منابع و افراد مختلف دریافت شد که این اسناد به تفکیک هر سال در پنج سال اخیر به سازمان اهدا شده است.

تجهیز سی‌وپنج کتابخانه عمومی تهران به تجهیزات به‌روز

اولین‌خبر مهم از نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور در این‌هفته، تجهیز ۳۵ کتابخانه عمومی استان به تجهیرات روز بود که به نقل از محمدهادی ناصری طاهری مدیرکل کتابخانه‌های عمومی تهران منتشر شد. به‌موجب اطلاعات مندرج در این‌خبر، ۳۵ دستگاه رایانه و ۱۳ دستگاه لپ تاپ با اعتباری بالغ بر ۶ میلیارد ریال خریداری و در سطح کتابخانه‌های عمومی و سیار استان تهران توزیع شد.

انتشار فراخوان نخستین جشنواره کتاب‌خوان و رسانه

روز سه‌شنبه ۱۸ شهریور بود که مهدی توکلیان مدیرکل روابط عمومی و امور بین الملل نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور و دبیر نخستین جشنواره «کتاب‌خوان و رسانه» از برگزاری این‌جشنواره در سال جاری خبر داد و با اعلام جزئیات فراخوان این‌رویداد گفت: این‌جشنواره در سال پایانی قرن با موضوعات «کتابخانه»، «کتابدار»، «کتاب خوان»، «اهدای کتاب»، «کتابخانه و خانواده»، «مسئولیت اجتماعی نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور»، «ترویج فرهنگ مطالعه»، «برگزاری محافل تخصصی در طول سال با رویکرد مورد نیاز ملی و استانی» مانند «محافل ادبی»، «فضای مجازی و کتابخانه»، «توجه به نقش آموزش در کتابخانه‌های عمومی» و... برگزار می‌شود

انتشار فراخوان دهمین دوره جایزه دکتر مجتبایی

فراخوان دهمین دوره جایزه دکتر فتح‌الله مجتبایی هم که هرسال در دی‌ماه به بهترین پایان‌نامه دکتری رشته‌های ادیان‌وعرفان و زبان‌وادبیات فارسی، اهدا می‌شود، این‌هفته توسط مرکز فرهنگی شهر کتاب منتشر شد.

انتشار فراخوان جشنواره داستان کوتاه خاتم

فراخوان ششمین جشنواره خاتم با موضوع داستان و روایت داستانی با الهام از ویژگی‌های شخصیتی و سیره‌ی حضرت رسول خدا (ص) هم یکشنبه این‌هفته منتشر شد.

آغاز دهمین دوره آموزش زبان فارسی در مسکو

طبق خبر دیگری که مثل خبر تسویه‌حساب تابستانه کتاب، روز یکشنبه ۱۶ شهریور منتشر شد، دهمین دوره آموزش زبان فارسی در دو مقطع ابتدایی و میانی به صورت حضوری و با رعایت دستورهای بهداشتی در مرکز آموزش زبان فارسی در محل رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در مسکو آغاز شد.

* * *

ترجمه انجیل یهودا چاپ شد/ارائه چهره مثبت از یهودای اسخریوطی

کتاب «انجیل یهودا» که از دست‌نوشته‌های چاکوس گردآوری شده، به‌تازگی با ترجمه شروین اولیایی توسط انتشارات ققنوس منتشر و راهی بازار نشر شده است. نسخه اصلی این‌کتاب سال ۲۰۰۶ توسط انتشارات نشنال جئوگرافیک منتشر شده است.

این‌کتاب نخستین ترجمه فارسی انجیل یهودا است که نسخه اصلی‌اش بخشی از یک‌دست‌نوشته یا نسخه خطی پاپیروسی است که به‌نام «دست‌نوشته چاکوس» مشهور است. این‌نسخه خطی طی سال‌های پایانی دهه ۱۹۷۰ طی حفاری‌های مخفیانه‌ای در مصر کشف شد و با فراز و فرودهای بسیار به موسسه نشنال جئوگرافیک رسید. این‌موسسه هم به‌سرعت متخصصانی را برای ترمیم نسخه خطی گردآوری کرد و در سال ۲۰۰۶ اولین ویراست آن را منتشر کرد.

اصل انجیل یهودا که بر کاغذهای پاپیروس ثبت شده، به زبان قبطی و متعلق به قرن سوم یا چهارم میلادی است. این‌انجیل از زمان چاپش توسط نشنال جئوگرافیک تا امروز، بارها به زبان‌های مختلف ترجمه، بازبینی و تفسیر شده است. اما شروین اولیایی، آن را از نسخه اصلی و اولیه به فارسی ترجمه کرده است. کشف این‌انجیل در یکی از غارهای مصر، یکی از بزرگ‌ترین اکتشافات تاریخی قرن بیستم میلادی بود که هم‌طراز با کشف طومارهای بحرالمیت و انجیل‌های گنوسی نجع حمادی قرار می‌گیرد. این‌انجیل حدود هزار و ۷۰۰ سال مفقود بود.

همان‌طور که می‌دانیم یهودای اسخریوطی یکی از حواریون مسیح (ع) بود که به‌قول مسیحیان، حضرت عیسی (ع) را به کاهنان یهودی معبد سلیمان فروخت و باعث شد استادش به صلیب کشیده شود. خلاف انجیل‌ها و روایات معمول و شناخته‌شده مسیحی، انجیل یهودا، چهره‌ای مثبت از یهودای اسخریوطی ارائه می‌کند و او را الگوی کسانی نشان می‌دهد که می‌خواهند شاگرد واقعی عیسی مسیح باشند. موضوع این‌انجیل، بصیرت و وفاداری یهودا به‌عنوان الگوی شاگردی است و با همان‌داستان خیانت یهودا تمام می‌شود نه تصلیب حضرت عیسی (ع).

در کتابی که انتشارات ققنوس با عنوان «انجیل یهودا» چاپ کرده، ابتدا یادداشت مترجم فارسی، سپس یادداشت انجمن نشنال جئوگرافیک و سپس مقدمه چاپ شده که پس از آن‌ها، متن «انجیل یهودا» (ترجمه رودولف کاسر، ماروین میر و گرگور وُرست، با همکاری فرانسوا گُدار) درج شده است. پس از این‌مطالب هم بخش «تفسیرها» آمده که شامل این‌عناوین می‌شود:

داستان دست‌نوشته چاکوس و انجیل یهودا (رودولف کاسر)، مسیحیت زیر و رو می‌شود: بینش جایگزینِ انجیل یهودا (بارت د.اِرمن)، ایرنایوس لیونی و انجیل یهودا (گرگور وُرست)، یهودا و فرقه گنوسی (ماروین میر). کتاب‌شناسی، معرفی مولفان و نمایه، هم آخرین بخش‌هایی هستند که در ترجمه فارسی «انجیل یهودا» چاپ شده‌اند.

در قسمتی از این‌کتاب می‌خوانیم:

نویسندگان برخی از این انجیل‌ها ناشناس‌اند، از جمله یکی از آن‌ها که انجیل حقیقت نام دارد. گفته می‌شود که برخی دیگر از آن‌ها را نزدیک‌ترین پیروان عیسی نگاشته‌اند، از جمله انجیل فیلیپ و، از آن هم مشهورتر، انجیل توماس که ۱۱۴ گفتار عیسی را شامل می‌شود که بسیاری از آن‌ها سابقا ناشناخته بودند. تا قرن‌ها شایعاتی جریان داشت که می‌گفت چنین انجیلی وجود داشته است، اما ما تا این اواخر چیزی از محتوای آن نمی‌دانستیم. ظهور دوباره این انجیل در زمره بزرگ‌ترین یافته‌های مسیحیت باستان قرار می‌گیرد و بی‌شک مهم‌ترین کشف باستان‌شناسی در شصت سال اخیر است.

این‌کتاب با ۱۶۰ صفحه، شمارگان هزار و ۱۰۰ نسخه و قیمت ۲۵ هزار تومان منتشر شده است.